

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

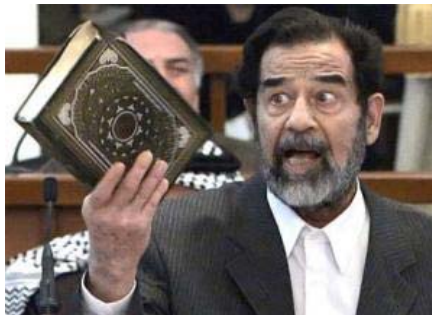
الحاج داکتر امین الدین «سعیدی»

۰۹ می ۲۰۱۳

یادداشتی

به خطاطی قرآن کریم با خون صدام حسین

۲



به ادامه گذشته:

آیا خون شکننده وضو است؟

همه علماء و فقها بدین باور اند که ، خروج خون از بدن (به جز از سبیلین) (طریق مقعد و آلت) کم یا زیاد، از طریق زخم یا حجامت باشد، موجب باطل شدن وضو نمی گردد و این مذهب امام مالک و شافعی است، ولی امام ابوحنیفه می گوید که وضو باطل می شود و در مذهب حنابله هرگاه خون خارج شده زیاد باشد، وضو باطل می گردد.

ولی قول امام شافعی و امام مالک ارجح و صحیح تر است زیرا:

- ۱- تمامی احادیثی که در مورد واجب شدن وضو بر اثر خروج خون آمده اند، هیچ کدام صحیح نیستند.
- ۲- اصل بقای وضو است مگر آن که نص یا اجماع بر نقض آن دلالت داشته باشد.
- ۳- حسن بصری رحمة الله گفته است: «ما زال المسلمون یصلون فی جراحاتهم» (مسلمانان همواره با جراحاتی که برمی داشتند، نماز می گزاردند). بخاری آن را روایت کرده و گفته است:

«این عمررضی الله عنهما، (دانه بخار) روی خویش را فشار داد و از آن خون بیرون پرید و بعد از آن وضو نگرفت و نماز خواند و در روایت دیگری آمده است: ابن ابی اوفی همراه با آب دهان، خون از دهنش بیرون آمد، ولی وضو نگرفت و به نماز خویش ادامه داد.

همچنان امیر المؤمنین عمر بن خطاب در حالی که مشغول نماز خواندن بود، توسط ابو لولو زخمی گردید در حالی که خون از وجودش جریان داشت به نماز خویش ادامه داد، اگر جاری شدن خون موجب شکننده وضو می بود، امیر المؤمنین از ادامه نماز و به خصوص امامت قوم صرف نظر می کرد.

همچنان عباد بن بشر در حالی که مصروف نماز بود، چند تیر از جانب دشمن بر بدنش اصابت کرد، و خون از بدنش جاری بود، ولی ابن صحابی جلیل القدر، نماز خویش را قطع نکرد، بلکه به نماز خویش ادامه داد. (حدیث را، ابوداود و ابن خزیمه و بخاری به صورت تعلیق، آن را روایت کرده‌اند).

۴- همچنان در روایت اسلامی آمده است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم حجامت کرد و نمازش را خواند و وضو نگرفت، و تنها جای حجامت و خون گرفتگی را شست.

و روایت شده است: چون دو مرد از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم در غزوه «ذات الرقاع» از مسلمانان حراست و پاسداری می کردند یکی از آنان به نماز ایستاد و مردی از کافران به سوی وی تیری انداخت، در حالی که مصروف نماز خواندن بود، تیر به بدنش اصابت نموده در حالی که با شدت زخمی شده بود و خون از بدنش جریان داشت به نماز خویش ادامه داد، و سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن اطلاع پیدا کرد و آن را انکار ننمود. و چون چیزی که از دو مجرای پیش و پس بیرون می آید خصوصیتی دارد که در غیر آنها یافت نمی شود. خروج خون از بینی هنگام نماز، نماز را باطل نمی کند زیرا اولاً قول راجح اینست که خون بنی آدم نجس نیست، زیرا اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در جنگ زخمی بوده اند ولی در همان حالت خون آلود نماز را می خواندند، ولی خون حیض و یا خونی که که از سبیلین (شرمگاه و مقعد) خارج شود نجس هستند و ثانیاً خروج خون از بدن وضو و نماز را باطل نمی کند، زیرا دلیلی برای بطلان وضو و نماز هنگام خروج خون از بدن وارد نشده است.

خون نجس در اسلام:

۱- خون در حال حیات از حیوان جاری گردد به حیث خون نجس بوده و در قرآن عظیم الشان به حیث نجس اعلام گردیده است و آیت ۱۴۵ سوره انعام به این صراحت می فرماید: «قُلْ لَّا أُجِدُّ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِثْلَهُ أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا» (بگو: در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی‌یابم؛ به جز این که مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته باشد).

اما در مورد خون باقی مانده در گوشت حیوان ذبح شده، طوری که قبلاً هم بدان اشاره شد، دین مقدس اسلام این خون را نجس ندانسته و آن را مانند خونی که بعد از ذبح در بدن حیوان باقی می‌ماند مانند بقیه اعضای حیوان است، خوردن آن حلال می باشد.

از ابومجلز درباره خونی که در محل ذبح حیوان باقی می‌ماند و خونی که روی دیگ می‌ماند، سؤال کردند؟ گفت: اشکال ندارد، فقط از خون جهنده و جاری نهی شده است. عبد بن حمید و ابوالشیخ این مطلب را از او نقل کرده‌اند. از عایشه رضی الله عنها روایت شده که: «كنا نأكل اللحم والدّم خطوط علی القدر» (ما گوشت می‌خوردیم در حالی که خطوط خون، بر روی دیگ نمایان بود). (فقه السنه)

۲- خون حیض :

خون حیض به دلیل حدیث حضرت عایشه و اسماء ، نجس است :

از اسماء دختر ابوبکر رضی الله عنه روایت است : « جاءت امرأة إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقالت : إحدنا يصيب ثوبها من دم الحيض كيف تصنع؟ فقال : تحته ثم تفرسه بالماء ثم تتوضه، ثم تصلى فيه» (زنی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت : اگر لباس یکی از ما به خون حیض آلوده شد، چکار بایدبکند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : آن را از لباسش بزداید و سپس با نوک انگشتان و آب آن را بشوید و سپس بر روی آن، آب بریزد و در آن نماز بخواند) . (متفق علیه)

۳- اما خروج خون از بدن (بجز از دو سبیل پشت و جلو) موجب باطل شدن وضو نمی شود.

هیأت دائمی افتا در این باره می گویند: « دلیل شرعی در دست نداریم که خروج خون از بدن (غیر از راههای عقب و جلو) ناقض وضو باشد. اصل این است که خون ناقض وضو نیست و مبنای عبادات توقیفی است. بنابراین هیچ کس اجازه ندارد که بگوید این عبادات مشروع است؛ مگر آن که دلایلش را ارائه بدهد.

یادداشت ضروری :

طوری که قبلاً یاد آوردیم ، برخی از علماء خروج خون را از نواقض وضو دانسته‌اند. بنابراین اگر کسی در اثر خروج خون (ولو این که از غیر شرمگاه خارج شود) وضو بگیرد کارش خوب و پسندیده است و راه احتیاط را در پیش گرفته و خودش را از اختلاف فقها خلاص نموده است. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: « دَعْ مَا بَرِيئَكَ إِلَى مَا لَا بَرِيئَكَ » نسائی، ترمذی، حاکم... (آنچه که تو را به شک می‌اندازد آن را ترک کن و به سوی چیزی برو که تو را به شک نمی‌اندازد). (فتاوی انجمن دایمی مباحث علمی و افتا (۵/۲۶۱).

۴- خون ماهی:

در مورد خون ماهی همه علماء متفق القول اند که خون ماهی پاک است. زیرا ماهی مرده پاک است و این دلیلی است بر این که خون آن نیز پاک می باشد ؛ زیرا فلسفه تحریم مردار، بقای خون در وجود آن است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَا أَهَرَ الدَّمَ وَذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَكُلُّ» بخاری (۲۴۸۸) و مسلم (۱۹۶۸). «هر وسیله‌ای که موجب جاری شدن خون از حیوان است و (به هنگام ذبح) نام الله بر آن ذکر شده باشد از گوشت آن بخورید».

۵- خون مگس، پشه :

خون مگس ، پشه و امثال اینها در شرع اسلامی پاک است، زیرا این حشرات اگر بمیرند باز هم پاک‌اند، کما این که حدیث «امر به فرو بردن مگس در نوشیدنی‌ها» دلالت بر همین مطلب دارد. بخاری (۵۷۸۲-۳۳۲۰)

آلوده شدن لباس باخون انسان و خون حیوانات حلال :

در مورد این که اگر لباس انسان با خون انسان و یا خون حیوان حلال آلوده شود ، لباس نجس می گردد یا خیر ؟
فقهای اسلام به دو دسته تقسیم گردیده اند :

دسته اول :

خون انسان و خون حیوانات حلال نجس است :

تعدادی از علماء از جمله امامان اربعه (امام ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد) همگی در این امر متفق اند که:
خون انسان (و خون حیوان حلال گوشت) در صورتی که این خون بر لباس و یا بدن ریخته شود نجس است، و نباید
نماز با لباس خون آلود و یا بدن خون آلود و یا آلوده به (خون انسان و حیوان حلال گوشت) خوانده شود ، زیرا شرط
صحت نماز پاکی بدن از نجاسات است و خون انسان نجس است.

اگر ثابت شود که بر نجاست خون انسان اجماع وجود دارد، در آنصورت به دلایل موافقین بر طاهر بودن خون
التفات نمی شود، زیرا اجماع حجت قاطعی است که عدول از آن جایز نیست.

امام ابن قیم رحمه الله در (إغاثة اللهفان ۱/۲۴۰) چنین می نویسد :

«از امام احمد سؤال شد: آیا خون و چرک زرد (زخم بدون خون) نزد شما یکی است؟ فرمود: خیر، خون انسان
مردم در (نجاست آن) اختلاف ندارند.»

علماء این قول امام احمد را دلیل بر اجماع امت بر نجس بودن خون دانسته اند و لذا اکثر قریب به اتفاق علماء حکم
به نجاست خون داده اند و بر اساس این حکم نمازی که با لباس خونی انسان آغشته شده باشد، صحیح نیست.
امام ابن حزم رحمه الله در «مراتب الاجماع» گفته: علماء بر نجاست خون اتفاق دارند. همچنین حافظ ابن حجر در
فتح الباری (۱/۴۲۰) این اتفاق علماء را نقل کرده است.

و امام ابن عبدالبر در «التمهید» (۲۲/۲۳۰) می گوید: « حکم تمامی (انواع) خون به مانند خون حیض است مگر
آن که قلیل و اندک باشد که از آن گذشت شده است و این اجماع مسلمین است که خون مسفوح (جاری) رجس و
نجس است.

و امام ابن عربی در «احکام القرآن» (۱/۷۹) نوشته: « علماء اتفاق کرده اند که خون حرام و نجس است و خورده
نمی شود و انتفاع از آن صورت نمی گیرد.»

و امام نووی در «المجموع» (۲/۵۷۶) می نویسد: « دلائل وارده بر نجاست خون ظاهر و واضح هستند، و نمی
دانم که در این مورد احدی از مسلمین خلافی گفته باشند به جز آنچه که صاحب کتاب الحاوی از بعضی از متکلمین
حکایت کرده: خون طاهر است، اما گفته و نظر متکلمین در اجماع محسوب نیست.»

دسته دوم :

خون انسان و خون حیوانات حلال نجس نیست :

تعدادی از علماء منکر وجود اجماع شده اند و با استناد به برخی از نصوص حکم به پاک بودن خون انسان صادر
نموده اند. این تعداد از علماء حکم صادر نموده اند : نماز کسی که لباسش به خون انسان آلوده شده باشد ، لباسش
نجس نه و نمازش صحیح است.

این علماء معتقد اند:

۱- اصل در اشیاء پاکی یعنی طهار بودن آنها تا زمانی که حکم نجاست بر آن صادر نشده باشد طوری که از روایات اسلامی معلوم می گردد که پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به شستن بدون (خون حیض) امر نموده اند ولی اگر خونی از اثر جراحت و حجامت و سایر موارد از بدن انسان جاری می شود اگر در جمله خون نجس شامل می گردید پیامبر صلی الله علیه وسلم حتماً عامل نجسات آن را بیان می داشت .

در حدیث متبرکه آمده است : از اسماء (رضی الله عنها) روایت است که گفت : زنی نزد پیغمبر خدا (صلی الله علیه وسلم) آمده و گفت : اگر کسی از ما بالای لباسش حیض شود، چه باید بکند؟ فرمودند : (آن را بخراشد ، بعد از آن آنرا در آب به هم مالد، و آب را بر آن بپاشد (یعنی آنرا آب کشد) و در آن نماز بخواند.

۲- نباید فراموش کرد که در تاریخ اسلام تعداد زیادی از حوادثی به وقوع پیوسته است که صحابه کرام مجروح گردیده اند دیدیه نشده که پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به شستن آن کرده باشد و یا فرموده باشد که این خون نجس است .

و همچنان ادامه نماز توسط امیر المؤمنین حضرت عمر مبین این امر است که اگر خون نجس می بود ، حضرت عمر در لباس نجس به نماز خویش ادامه نمی داد بلکه در همان اولین لحظه به نماز خویش خاتمه می داد .

ابن تیمیه گفته است:

« شایسته است لباسی را که با چرک و تراوش زخم آلوده شده باشد ، بشویند ولی دلیلی بر نجاست و پلیدی آن اقامه نشد است .» بهتر آنست که به قدر امکان ، انسان از آن پر هیز کند .

علامه شیخ ابن عثیمین می گوید:

«از ظاهر نصوص چنین برداشت می شود که تطهیر خون خارج از بدن واجب است، این سخن را بدان خاطر گفتیم که در روایات داریم که زخم پیامبر صلی الله علیه وسلم شسته شد. ولی این سخن ها ممکن است با مطلب ذیل در تعارض باشد: اگر اجزای جدا شده از بدن انسان پاک است، پس خونی که از بدنش بیرون می آید باید به طریق اولی پاک باشد. لیکن به دلیل ظاهر نصوص و پرهیز از شبهات، احتیاط در شستن خون است.» (مجموعه فتاوا و رسایل (۲۶۶/۱۱))

خواننده محترم !

حالا به اصل موضوع خویش بر می گردیم که آیا اساساً نوشتن قرآن که توسط خون (مسفوح) صدام حسین صورت گرفته در شرع اسلام جواز دارد یا خیر؟

و آیا برای یک مسلمان جواز دارد که قرآن نوشته شده به خون (مسفوح) را تلاوت نماید یا خیر؟

و همچنان حالا که این قرآن به خون صدام حسین (یعنی دم مسفوح) خطاطی شده است ، آیا تلاوت آن از نگاه شرع اسلامی جواز دارد و یا خیر؟

قبل از همه باید گفت که خواندن قرآن به دم مسفوح در شرع کدام ممانعت نداشته ، ولی اکثریت علماء بدین نظر اند که خواندن قرآن تلاوت شده با خون از جمله تقوا نبوده بهتر خواهد بود که اصلاً این قرآن قرائت هم نگردد .

ولی در مورد خطاطی قرآن غرض تقرب الی الله و یا به اصطلاح نظرانه توجه خوانندگان محترم را به فتوای علمای برجسته جهان اسلام در این مورد جلب نموده ، امیدوار هستم که در مورد مفید و مؤثر باشد :

فتوای اول :

سؤال : هنالك شخص نوى أن يتقرب إلى الله فسحب من دمه على فترات وكتب بدمه القرآن الكريم.

فما حکم هذا الرجل؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه، أما بعد:

فقد بَوَّب البخاري في صحيحه: باب العلم قبل القول والعمل، وذكر قوله تعالى: فاعلم أنه لا إله إلا الله واستغفر لذنبك. (محمد: ١٩).

فالواجب على كل مسلم قبل أن يتقرب بقرية، أو يفعل ما يظنه طاعة، أن يتثبت من أنها مما يقرب إلى الله عز وجل، فإن التقرب إلى الله لا يكون على وفق أهواء الناس ورغباتهم، وإنما مرد معرفة ذلك إلى ما بينه النبي صلى الله عليه وسلم لأمته، فإنه ما ترك شيئاً يقرب إلى الله إلا دل عليه، ولا ترك شيئاً يقرب من النار إلا حذر منه، وما فعله هذا الرجل هو من أقبح الجهل وأبينه، فإن كتابة القرآن بالدم منكر عظيم، وذلك لأن الدم نجس عند أكثر أهل العلم، كما بينا في الفتوى رقم: ٣٩٧٨.

وكتابة القرآن بالنجاسات من أعظم الامتهان له، وإذا كان لا يجوز أن يمسه محدث ونجاسته حكمية لا حسية، فكيف تكتب حروفه وكلماته بالنجاسة الحسية عياداً بالله من الخذلان.

ولولا الجهل لحُكِم على هذا الرجل بحكم من يمتهن القرآن وهو معلوم لدى أهل العلم، وهكذا يفعل الجهل بأصحابه فإنه يفعل بهم الأعاجيب، فيصدق على الواحد منهم قول الله عز وجل: قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيهُمُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا. (الكهف: ١٠٣، ١٠٤). ولذا فنحن نهيب بعموم المسلمين أن يجتهدوا في تعلم أحكام الشرع وأن يطلبوا العلم من مظانه لئلا يقعوا في أمثال هذه المخالفات الشنيعة. ترجمة حكم فتاوى سؤال اول :

شخصي به نيت تقرب (نزدیکی جستن) به الله (ج) از خون خود، قرآن کریم را نوشته کرده. حکم این از نظر اسلام چیست؟

ج : همه ستایش تنها برای خداوند (ج)، درود و سلامتی بر فرستاده الله و بر آل و صحابه گانش، اما بعد. امام بخاری در صحیح خود بخاری شریف، باب مستقل تحریر نموده به نام (باب العلم قبل القول والعمل) یاد می شود. علم پیش از سخن و عمل است (علم و آگاهی به سخن و عمل حق تقدم دارد) (آیت ١٩ سوره محمد) گواه بر این حقیقت است. پس بدان که معبودی جز الله نیست و برای گناه خود و مردان و زنان با ایمان استغفار کن خداوند (ج) حرکت و قرار گاه شما را می داند.

پس واجب برای هر مسلمان این است، قبل از اینکه تقرب را بخواهند، و یا عملی را انجام دهند که برگمان شان آن طاعه است، قبلاً ثابت بسازند که آن عمل از جمله اعمالی است که بخداوند (ج) انسان را نزدیک می سازد، زیرا تقرب جستن به الله (ج) حسب خواهشات و رغبت مردم نمی شود بلکه مرجع شناخت آن محمد (ص) می باشد که برای امت خود معرفی نموده زیرا او هر عملی که انسان را به الله (ج) نزدیک بسازد بر آن دلالت کرده است و هر عملی را که انسان را از دوزخ دور می سازد، از آن ترسانده است، مرد که این عمل را انجام داده از قبیح ترین جهل و نا فهمی به حساب می رود، آگاه می سازم بر این که، کتابت قرآن کریم به خون، منکر عظیم (عمل بد و شنیع است) زیرا خون نزد اکثر اهل علم نجس و حرام است، چنانچه در فتاوی نمبر (٣٩٧٨) بیان نمودم که کتابت قرآن کریم به اشیای نجاست و حرام از بزرگترین اشتباه است، وقتی که قرآن کریم را شخص بی طهارت مساس کرده نمی تواند، با وجود بی وضو بودن نجاست حکمی است و نه حسی، خون نجاست حسی و حقیقی است، چگونه نوشته کلمات و حروف قرآن کریم نعوذ بالله به نجاست حسی درست است؟

اگر موضوع نا فهمي نمي بود من برآن مرد حکم مي کردم که به قرآن کریم اهانت کرده است، چنین موضوع نزد اهل علم معلوم است، طبقه جهال با هم نشینان خویش اعمال تعجب آور را مرتکب مي شوند، گفتار قرآن کریم به اعمال این گروه صدق مي کند، آیات ۱۰۳-۱۰۴ سورة کھف ارشاد مي فرماید، ترجمه : بگو آیا به شما خبر دهم که زیانکار ترین (مردم کیانید، آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم و نابود) شده با اینحال گمان مي کنند کارنیک انجام مي دهند.

بدین جهت من به عموم مسلمانان توصیه مي کنم، در آموختن احکام شرع کوتاهی نکنند، علم بیاموزند، تا در چنین موضوعات شنیع رو به رو نشوند.

سؤال وفتوای دوم :

هل يجوز كتابة آيات من القرآن الكريم بدم البشر سواء كانوا أحياء أو ميتين؟ وما هو موقف الذي أمر بالكتابة؟ وما هو موقف الذي ساعد أو أيد؟ وهل هناك فرق في الحالة بين الفاعل إذا كان مسلماً أو غير مسلم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه، أما بعد:

فكتابة آيات القرآن الكريم بدم البشر أو غيره من النجاسات أو المستقذرات طبعاً ولو كانت طاهرة لا تجوز شرعاً، وكذلك الأحاديث النبوية، ومن فعل ذلك استهانة بالدين فهو كافر مرتد عن الإسلام، لما في ذلك من الإهانة لكلام الله تعالى ووحيه وكلام نبيه صلى الله عليه وسلم.

وقد نص أهل العلم على أن من ترك شيئاً من القرآن أو الحديث في مكان مستقذر يكفر بذلك، فما بالك بمن تجرأ على فعل ذلك بنفسه.

قال العلامة خليل المالكي في المختصر: الردة كفر المسلم بصريح، أو لفظ يقتضيه، أو فعل يتضمنه؛ كالإلقاء مصحف بقدر، وكذلك أي شيء من نصوص الوحي.

وجاء في الموسوعة الفقهية: فالإهانة التي تلحق بالعقيدة والشريعة كالسجود للصنم، أو إلقاء مصحف في قاذورة، أو كتابته بنجس، أو سب الأنبياء والملائكة، أو تحقير شيء مما علم من الدين بالضرورة تعتبر كفراً. وكل من ساعد في هذا العمل، فإنه يناله من الإثم ما ينال الفاعل إذا كان عالماً متعمداً، قال الله تعالى: وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَفْعَدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا {النساء: ۱۴۰}.

فهذا قمة التعاون على الإثم والعدوان الذي نهى الله تعالى عنه بقوله: وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ {المائدة: ۲}. وأما غير المسلم فهو كافر أصلاً ولا يرجى منه خير، ولا يزيده ذلك إلا كفراً وظلمة على ظلمة وعذاباً على عذاب... نسأل الله تعالى العافية والسلامة.

فعلى قول الجمهور وهو الحق الذي لا ينبغي العدول عنه فإنه لا تجوز كتابة القرآن بالدم، بل إن ذلك من كبائر الذنوب بل قد يكون كفراً والعياذ بالله.

واما غير المسلم فهو كافر أصلاً ولا يرجى منه خير، ولا يزيده ذلك إلا كفراً وظلمة على ظلمة وعذاباً على عذاب... نسأل الله تعالى العافية والسلامة.

فعلى قول الجمهور وهو الحق الذي لا ينبغي العدول عنه فإنه لا تجوز كتابة القرآن بالدم، بل إن ذلك من كبائر الذنوب بل قد يكون كفراً والعياذ بالله.

ترجمة سؤال وفتوای دوم :

آیا نوشته کردن قرآن کریم به خون انسان زنده باشد ویا مرده درست است؟

موقف کسانی که امر به نوشته کرده چه خواهد بود؟

موقف کسانی که مساعدت و تأیید کردند چه خواهد بود؟ آیا فرق در میان فاعل مسلمان و یا کافر در صورت ارتکاب این عمل وجود دارد؟

ج : همه ستایش تنها به خداوند (ج) درود و سلام بر فرستاده الله (ج) و بر آل و صحابه گانش. کتابت آیات قرآن کریم به خون بشر یا غیر آن از نجاسات (پلیدی ها) و یا کثافات طبیعی گرچه پاک هم باشد شرعاً درست نیست تحریر احادیث رسول الله (ص) به اشیای نا پاک و همچنان نجس درست نیست، کسی که این عمل را به قصد اهانت بر دین انجام دهد کافر و مرتد می شود، زیرا ارتکاب چنین اعمالی اهانت به کلام الله (ج) و وحی و اهانت به کلام سرور کائنات محمد (ص) است. البته اهل علم تصریح بر آن دارند، کسی که چیزی (اوراق) از قرآن کریم و احادیث رسول الله (ص) را در جای کثیف و نا پاک بگذارد کافر می شود، چه گمان داری در حال آن کسانی که به نفس خود این را در صحنه عمل پیاده می کند، علامه خلیل مالکی در کتاب مختصر خود چنین بیان نموده: مرتد شدن (از دین برگشتن) مسلمان کفر صریح است، یا لفظ که افاده کفر را کند، و یا عمل و فعلی که معنی کفر را برساند، همانند انداختن مصحف شریف در کثافات و جای نا پاک و هم چنان چیزی از نصوص وحی را در محل کثیف انداختن همگی اینها عمل کفری است.

در (الموسوعه الفقهیه) آمده هر اهانت که مربوط به عقاید شرعی می شود، همانند سجده به بت، یا انداختن قرآن کریم (مصحف) در جای کثافات دانی، یا کتابت مصحف (قرآن کریم) به نجاست، یا دشنام دادن انبیاء و فرشتگان و یا تحقیر چیز که از ضروریات دین به حساب می آید، کفر است.

هرکسی که بر این عمل نا مشروع کمک کرده و یا تأیید نموده در گناه شریک می باشد، همانند کسی که فاعل مستقیم گناه است.

چنانچه قرآن کریم در آیت ۱۴۰ سوره نساء ارشاد می فرماید: ترجمه : البته در (قرآن) بر شما نازل کرده که هرگاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می گیرد با آنان منشینید، تا به سخن غیر از آن درآیند، چراکه در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود، خداوند (ج) منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد. این جزاء در حقیقت توان همان همکاری برگناه دشمنی های است که الله (ج) از آن منع کرده. چنانچه در آیت ۲ سوره مائده خداوند (ج) می فرماید. ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید حرمت شعایر خدا و ماه حرام و قربانی بی نشان و قربانی های گردن بند دار و راهیان بیت الحرام را که فضل و خوشنودی پرورد گار خود را می طلبند. اما غیر مسلمانان کافر و منکر دین اسلام اند، از ایشان هیچ نوع توقع نیکی برده نمی شود، احیاناً مرتکب چنین عملی شوند، جز این که به کفر، ظلم و معصیت و عذاب شان بیفزایند نتیجه دیگری نخواهد داشت، من برای خود و جمیع مسلمانان از الله توانا عافیت می خواهم.

بنا بر قول جمهور علماء و این حق است که مناسب نیست از آن عدول شود، البته کتابت قرآن کریم به خون نادرست است، بلکه این از گناه کبیره به حساب می رود، گاهی به کفر منجر می شود، پناه می برم به پروردگار عالم از شر این گناه.

اما غیر مسلمانان منکر دین هستند از ایشان اصلاً توقع نیکی برده نمی شود، در صورت ارتکاب به این عمل، به کفر، ظلم و بر عذاب خویش می افزایند. من برای خود و جمیع مسلمانان از الله توانا عافیت و سلامت می خواهم .

سؤال و فتوای سوم :

ما حکم کتابة القرآن بالدم ؟

الاجابة

القرآن كلام الله سبحانه وتعالى، وكما يطلق القرآن على كل ما بين دفتي المصحف يطلق على **السورة والآية منه** .
والقرآن كتاب تعبد وهداية وإرشاد للبشر كما فيه سعادتهم في الدارين (الدنيا والآخرة) من عبادات ومعاملات وأخلاق.

ولذلك يجب تقديسه وتكريمه والبعد عن كل ما يخل بشيء من ذلك .

ولذلك لا يجوز كتابته إلا بما هو طاهر زكي .

ولذلك أيضاً يجوز للفقهاء للمحدث حدثاً أصغر (غير المتوضئ) ولا المحدث حدثاً أكبر (الجنب) والحائض والنفساء مس القرآن ولا شيء من آياته إلا بغلاف منفصل لقول الرسول صلوات الله وسلامه عليه (لا يمسه القرآن إلا طاهر) وأجازوا ذلك للضرورة كدفع اللوح أو المصحف إلى الصبيان لأن في المنع من ذلك تضييع حفظ القرآن، وفي الأمر بالتنظيف حرج عليهم .

كما نصوا على كراهة كتابة القرآن وأسماء الله تعالى على الدراهم والمحاريب والجدران وكل ما يفرش (الهداية وفتح القدير ج ١) وليس هناك ضرورة تدعو إلى ذلك، فيكون الأحوط في المحافظة على القرآن وآياته والبعد به عن كل ما يخل بتقديسه وتكريمه أو الوقوع في الممنوع .

ترجمه سؤال وفتاوى سوم :

حكم كتابت قرآن كريم به خون چيست؟

ج : قرآن كلام پروردگار عالم است، اطلاقش با تمام سوره هاي آن به شكل دسته جمعي ويا به طور انفرادي به هر فرد سوره و آيات آن اطلاق مي گردد.

قرآن كتاب هدايت وارشاد، سعادت براي كافة بشريت در دنيا و در آخرت مي باشد كه حاوي جميع عبادات، معاملات و اخلاقيات است.

بدين جهت براي همه كاهه بشريت تعظيم وتقديس وگرامي داشت آن واجب است، و دور داشتن هرچيز كه به تقدسات وگرامي داشت آن اخلاص مي كند نيز واجب مي باشد، برهمين جهت كتابت آن جايز نيست و نيز قرآن كريم براي كسانيكه وضو ندارند اجازه مساس نمي دهد. برابر است حدث صغير داشته باشد ويا كبير، همانند جنب، حائض (عادت ماهوار) نفساء. (خون كه از عقب ولادت مي آيد) ايشان قرآن مكمّل ويا سوره و آيات آن را مساس کرده نمي توانند(دست رسانده نمي توانند) مگر اين كه قرآن كريم در داخل پوش كه جدا بوده باشد درست است، چنانچه رسول الله (ص) فرمودند(قرآن را مساس کرده نمي تواند مگر شخص پاك) .

مگر در صورت ضرورت، مثلاً قرآن كريم در تخته نوشته باشد، از جاي بر جاي ديگر انتقال داده شود، ويا براي تعليم اطفال، زيرا كودكان تكليف شرعي ندارند، ويا برحسب دوام طهارت كردن براي كودكان يگونه حرج است. وهم در صورت منع ايشان از تلاوت قرآن كريم به حالت بي طهارتي ضايع شدن وقت وحفظ قرآن مي گردد. ونيز فقها صراحت بخشيدند كه كتابت قرآن بر منازل و خانه ها ، محراب، ديوارها، مكروه است، در كتاب فتح القدير جلد ١ گفته شده درست نيست، زيرا در اين ها ضرورت وجود ندارد. بدين جهت در محافظت قرآن كريم جديت شود و آيات آن از آنچه بر احترامش اخلاص مي كند دور نگهداشته شود.

مأخذ ها فتاوی كه به شكل سؤال سه گانه در فوق تحرير یافته است

١- فتوى ارکان الاسلام لشيخ ابن عثيمين رحمه الله صفحه ١٣٠ جلد ١

٢- فتوى اللجنة لبحوث العلمية و الافتاء ج ٢٢ ص ١٥٠

تبصره :

استاد غلام رباني ادیب :

برمقاله حکم مصحف (قرآن) که به خون صدام حسین تحریر گردیده چیست؟

جای شک نیست، خون مسفوح حرام است، نه خوردن آن جواز دارد و نه تحریر قرآن کریم به آن.

دلایل قرآنی:

آیات ۱۳-۱۷ سوره عبس: فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۱۳) مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴) بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵) كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶) قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ (۱۷) ترجمه :

قرآن در الواح (تخته) پرارزشی ثبت است، الواحی و الاقدار و پاکیزه، به دست سیفرانی است، والا مقام فرمان بردار و نیکو کار، مرگ بر این انسان چقدر کافر و ناسپاس است.

آیات فوق افاده می کند قرآن کریم قبل از نزول در صحف (اوراق) پاک تحریر یافته است، بعد از نزول به محمد (ص) نیز در اوراق پاک تحریر می گردد قسمی که تعامل کلی در میان جهان اسلام است، در پاک ترین اوراق چاپ و نوشته می شود، و هم از پاک ترین رنگ استفاده صورت گرفته و می گیرد، زیرا قرآن والا مقام و پاک است، باید از رنگ پاک در کاغذ پاک از دست اشخاص پاک و با طهارت، تحریر گردیده به دست افراد پاک و با طهارت قرار گیرد، و به حیث کتاب هدایت دستور العمل همه جهان بشریت بوده، زیرا این کتابی است همه نیاز مندی های بشریت را به طور آسان حل کرده، اگر انسان روی سرکش و عناد رجوع بر این کتاب نمی کند زیانش عاید حال خود می گردد.

تعظیم قرآن:

محبت، احترام، تعظیم، قرآن کریم بر همه واجب است، هیچ کس حق ندارد، قرآن را از رنگ و خون حرام در کاغذ ناپاک تحریر نماید، و یا این کتاب عظیم را زیر دیگر کتاب ها بماند، یعنی فرق بین کلام الله (ج) و کتاب بشر نکند، این عمل به خاطر سبک شمردن کتاب خداوند (ج) بوده باشد کافر می شود، هدف اساسی از تعظیم قرآن ترجیح دادن آن بالای همه کتب و دستور العمل بودن آن، و مرجع هدایت دانستن آن است، آیا مصحفی که به خون صدام حسین تحریر گردیده، قابل حفظ است، گرچه تحریر قرآن کریم به خون نادرست است، اما قرآنی که به خون صدام حسین نوشته شده، باید حفظ و احترام گردد، زیرا این حفظ و احترام به خاطر خون نیست بلکه به خاطر آن است که آیات، جملات، کلمات و لفظ که بر خون تحریر گردیده، دلالت کننده بر معانی است که آن مطلوب و مقصود است، قسمی که قرآن تحریر یافته از رنگ پاک دلالت بر معانی و مطلوب می نماید، در افاده و استفاده مقاصد وجه مشترک دارند، بدین جهت این مصحف که به خون صدام تحریر گردیده به خاطر خون بودن بی احترامی نشود.

خون در ذات خود مفید است :

خون در ذات خود مایه حیات زنده جان ها است، و یک ماده حیات بخش مفید در بدن می باشد بدون آن استمرار زندگی در عالم اسباب ناممکن است، اگر گروهی خون کسی با مریضی که نیاز به خون دارد موافقه کند، حسب هدایت داکتر از خون به خاطر بقای حیات یک انسان استفاده صورت می گیرد، باکی ندارد بلکه خون دهنده ایثار و فداکاری کرده، ثواب عظیم را نایل شده است، اما پروردگار عالم خون را در ردیف گوشت خود مرده و خوک حرام قرار داده، تا مردم به صفت غذا نخورند، تا مکروب های خون در بدن شان سرایت کرده به مرض مبتلا نسازد، حرمت خون و منع شرع از خوردن آن به معنی غیر مفید بودن خون نیست، بسا چیز حرام است اما مایه حیات ابتدایی یک

زنده جان را تشکیل می دهد، همانند تغذیه جنین در بطن مادر از خون، با وجود این که خون نا پاک است باز هم تغذیه کودک از آن صورت می گیرد، آب منی در ذات خود ناپاک می باشد، حتی در لباس برسد، توسط آب پاک کرده می شود، بآنهم ماهیت خلقت انسان را تشکیل می دهد، کود حیوانی جهت رشدکشت در زمین انداخته می شود، از محصول آن انسان استفاده می نماید، خر(حمار) در نمک بیفتد ماهیت آن به نمک تبدیل می گردد، اشیای نا پاک در زمین دفن گردد با گذشت زمان جزء زمین می شود، مشرک نجس است، وقتی ایمان آورد، گنااهش مورد عفو قرار می گیرد، پاک می شود.

قرآن آن چنان کلام عظیم است، رنگ و صفت هیچ چیز را به خود نمی گیرد، اما دیگر چیز تحت تأثیر قرآن قرار گرفته از او رنگ می گیرد، بناءً به صراحت گفته می توانیم مصحفه ای که توسط خون حرام تحریر گردیده است، حیثیت رنگ را با خود گرفته از دو طریق به خون آمده از نگاه کمی و کیفی، تغییر کمی به اثر خشک شدن حالات ابتدائی که دارای رطوبت، بوی و طعم است از میان رفته.

تغییر کیفی :

خون تبدیل به حروف، کلمات، جملات و بالاخره به آیات قرآن شده، قبلاً گفته شد، در نظام طبیعت اشیای ضعیف به اثر خلط شدن در قوی جزء آن می شود، همانند افتیدن حیوانات حرام در کان نمک، دفن شدن اشیای نا پاک در زمین به اثر تغییر ماهیت، جزء کان و زمین می گردد.

قرآن کلام پروردگار عالم چنان قوی است تحت تأثیر چیزی نمی رود و تابع چیزی دیگر نمی شود. بناءً مصحف تحریر یافته به خون صدام حسین قابل حفظ و احترام است.

این يك امر استثنائی است :

خوانندگان عزیز توجه فرمائید، در تاریخ اسلام چنین امری بی سابقه است، اگر صدام حسین چنین عملی را انجام داده اشتباه کرده، هیچ کس چنین حقی را ندارد، با تقلید از صدام ویا به اختیار خود به خون، کلام خدا را تحریر نماید، نباید این عمل تکرار گردد. (استاد غلام ربانی ادیب)

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی»

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان

و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی